

مکتب شیخ

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

در نگاه مکتب معارف خراسان
سید مقداد نبوی رضوی

فهرست

- پیشگفتار..... ۷
- دیباچه‌ای بر الصوالم العقلية ۱۲
- مذاکرات درباره‌ی الصوالم العقلية ۵۱
- کتابنامه ۱۳۵
- فهرست اعلام و شخصیت‌ها ۱۴۱
- تصاویر و اسناد ۱۴۷

پیشگفتار

میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی (۱۳۰۳ تا ۱۳۶۵ ق. : تصویر شماره ۲۷) یکی از فقیهان بزرگ شیعی مذهب در قرن چهاردهم هجری است. او در سن ۱۲ سالگی اصفهان را به قصد عراق ترک گفت و در کربلا تحت سرپرستی فقیه بزرگ آن زمان، سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸ تا ۱۳۳۸ ق.)، قرار گرفت و با راهنمایی های او رشد علمی و معنوی خود را آغاز کرد. این استاد - که در جایگاه بلندی از فقاقت بود - تا سال ها راهنمایی و ارشاد او را بر عهده داشت و یکی از مهم ترین مربیانش دانسته می شود. این از آن روست که او نه تنها شاگرد جوانش را به بهره مندی از استادان بزرگی چون ملا محمد کاظم خراسانی در نجف، میرزا محمد تقی شیرازی در سامراء و سرانجام میرزا محمد حسین نائینی در نجف رهنمون ساخت، که در مسیر رشد معنوی نیز به مکتب سلوک شرعی - غیر عرفانی سامراء (شاگردان ملا فتحعلی سلطان آبادی) واردش کرد.

میرزا مهدی اصفهانی که از سوی میرزا محمد تقی شیرازی مجتهد شناخته شده بود، نخستین شاگرد نزدیک میرزا محمد حسین نائینی شد و به یاری کردن او در شکل بخشیدن نهایی به مبانی اصولی جدیدش پرداخت. وی سپس، آن کار را همراه با تنی چند از هم رتبانان خود - که برخی از ایشان بعدها در جایگاه مراجع تقلید برجسته قرار گرفتند - در نخستین حلقه ی اصول فقه آن استاد پی گرفت. اهمیت این حلقه ی فکری در آن بود که استاد ایشان پس از پایان تدریس خصوصی پنج ساله اما مبسوط به آنان، تدریس عمومی خود در حوزه ی نجف را آغاز کرد و توانست سلطه ی علمی بلا منازعی در آنجا به دست آورده و مجدد علم اصول فقه شناخته شود. پایان این ارتباط علمی نگارش اجازه ی اجتهاد مطلق در استنباط احکام مذهب تشیع از سوی آن استاد برای میرزا مهدی اصفهانی بود. آن اجازه نامه (سند

شماره‌ی ۲۹) به امضای سه تن از فقیهان بزرگ آن زمان نیز رسید و از آن روی که نه تنها به خط مجدد علم اصول فقه شیعی در قرن چهاردهم هجری - که در مجتهد شناختن «امساک فراوان» داشت - بود، که در مقایسه با بسیاری از اجازه‌های او از بسط و تفصیل نیز برخوردار داشت و از این روی، در نوع خود کم‌مانند شناخته شده و جایگاه مهم فقاہت صاحبش در احکام مذهب تشیع را گویاست.

میرزا مهدی اصفهانی که ابتدا در مکتب سلوک شرعی - غیر عرفانی سامراء گام برمی داشت، در نجف، به مکتب سلوک شرعی - عرفانی آنجا (شاگردان ملا حسینقلی همدانی) نیز ورود یافت و تحت ارشاد دو استاد بزرگ آن، سید احمد کربلایی و شیخ محمد بهاری همدانی، قرار گرفت و به مقام‌های بلند آن رشته دست یافت؛ با این حال، به سبب آنچه در ناهمسانی برخی دیدگاه‌های نظری گروهی از ایشان با نصوص دینی می‌دید و نیز با توجهش به اختلاف‌های ایشان با دیگر ارباب سلوک شرعی به حیرت و سرگشتگی در شناخت راه درست معرفت دینی دچار شد و از آن روی، به توسل‌اتی پیوسته به ساحت امام دوازدهم روی آورد. روایت برخی اصحاب نزدیک او آن است که پایان آن توسلات دیدار او با امام دوازدهم در قبرستان وادی السلام نجف و سرانجام دست یافتن به راه درست معرفت دینی از مسیر درس آموزی نزد استادی که او را به «صاحب علم جمعی» یاد می‌کرد بود.

میرزا مهدی اصفهانی پس از مجتهد شناخته شدن از سوی میرزا محمدحسین نائینی (شوال ۱۳۳۸ ق.)، نجف را به سوی مشهد ترک کرد و در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به تدریس فقه، اصول فقه و نیز آنچه در مبانی اعتقادی مذهب تشیع یافته بود مشغول شد. با بررسی کارنامه‌ی علمی ۲۵ ساله‌ی او در مشهد، دانسته می‌شود که وی ابتدا توانست مبانی قوی اصولی حاکم در آنجا را به مبانی استاد خود، میرزا محمدحسین نائینی، سوق دهد و سپس، حوزه‌ی فلسفی مهم آنجا را به ساختار فکری نظام‌مند خود دگرگون کرده و «مکتب معارف خراسان» را بنیاد گذارد و سرانجام، به سبب توجه بسیاری که به ساحت امام دوازدهم داشت، طلاب علوم دینی آن شهر را در آن سیرت با خود همراه گرداند. میرزا مهدی اصفهانی در آن مسیر، شاگرد برجسته‌ی خود، حاج شیخ محمود حلبی (تصویر شماره‌ی ۳۳)، را به کوشش پیوسته و منظم در نقد آموزه‌های بابی و بهائی و نیز بسط اندیشه‌ی مهدویت کشاند و او نیز توانست آن دو کار را در گستره‌ی ایران گسترش دهد، گویا این که در حوزه‌ی فکری مکتب معارف خراسان هم در میان مهم‌ترین نمایندگان آن جای داشت.^۱

از آن سوی، میرزا مهدی اصفهانی، به سبب مخالفت با فلسفه و عرفان و نیز برخوردار از اندیشه‌هایی ویژه در فقه اعتقادی مذهب تشیع و گسترش آنها در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شخصیتی شناخته شده بوده و موافقان و مخالفانی دارد. اندیشه‌های او از زمان حیاتش و نیز دهه‌هایی پس از وفاتش در برخی حوزه‌های علوم دینی و سپس جمعی از صاحبان تحصیلات جدید مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ با این حال، پس از چاپ مقاله‌ی مکتب تفکیک به سال ۱۳۷۱ ش.^۲ و سپس کتابی با همان نام به سال ۱۳۷۵ ش.^۳ از سوی آقای محمدرضا حکیمی - که دانشمند و نویسنده‌ای نامدار بوده و خود به آن آموزه‌ها دل بسته است - توجه بسیاری از صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی ایران را به خود جلب کرد. از آن زمان تاکنون مکتوبات زیادی در نقد یا جانبداری از آموزه‌های میرزا مهدی اصفهانی و شاگردانش نگاشته شده که نمودی از آنها را در پژوهشی که با عنوان کتابشناسی مکتب تفکیک در ۴۹۲ صفحه به سال ۱۳۹۲ ش. منتشر شد می‌توان دید. آن پژوهش - که فهرستی توصیفی از آن مکتوبات است - گویای گستره‌ی بالای توجه به اندیشه‌های میرزا مهدی اصفهانی در سال‌های اخیر بوده و نشانگر آن است که آن اندیشه‌ها اکنون به واقع به عنوان یک مکتب فکری باید شناخته شود. از این روست که بررسی تحلیلی زندگانی و نیز مؤلفه‌های مختلف ساختار فکری میرزا مهدی اصفهانی در نگاه به آموزه‌های مذهب تشیع تلاشی درخور را شایسته است.

در میان دیدگاه‌های منتقدانه‌ای که به زندگانی و اندیشه‌های میرزا مهدی اصفهانی وجود دارد، نسبت آموزه‌های او با تعالیم شیخ احمد احسائی (بنیان‌گذار مکتب شیخیه) یکی از مهم‌ترین هاست. برخی محققان برآنند که شباهت‌های زیادی میان اندیشه‌های این دو وجود دارد به گونه‌ای که میرزا مهدی اصفهانی در میان اثرگرفتگان از شیخ احمد احسائی جای می‌گیرد.

باید گفت: بررسی دقیق دیدگاه‌های آن محققان به تحقیقی مبسوط نیازمند است و در جای خود باید انجام شود؛ با این حال، آنچه شمایی از ناهمسانی‌های بنیادین دیدگاه‌های میرزا مهدی اصفهانی و شیخ احمد احسائی را گویاست، نقدهایی است که او در رساله‌ی *الصورم العقلية* به وی وارد دانسته است. از این روست که تأمل در آن رساله مقدمه‌ای بر بررسی تطبیقی آموزه‌های آن دو می‌تواند باشد.

ماده‌ی اصلی این پژوهش مذاکراتی است که آقای محمداسماعیل مدرس غروی (فرزند میرزا مهدی اصفهانی و از استادان مکتب معارف خراسان) همراه با جمعی از شاگردان خود در